

تاریخ زندگانی چهارده معصوم

محمد باقر بن محمد تقی مجلسی

www.ketab.ir



به نام او که هر چه داریم از اوست

تاریخ زندگانی چهارده معصوم
محمدباقر بن محمد تقی مجلسی
انتشارات هفت اختر اندیشه

۱۰۰۰ صفحه زیری

شمارگان: ۵۰۰ عدد

قیمت: ۵۰۰ تومان

چاپ اول: ۱۳۹۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۰۹-۱۰-۷



تهران - تهران پارس - کیب - بلوار - خیابان سازمان آب - خیابان رضوان - بلوار ۳ - واحد ۲۰

۰۹۳۷۵۷۵۱۸۱۹-۷۷۰۰۶۶۵۰

سرشناسه	:	مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، ۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ ق.
عنوان و نام پدیدآور	:	تاریخ زندگانی چهارده معصوم / محمدباقر بن محمد تقی مجلسی.
مشخصات نشر	:	تهران: هفت اختر اندیشه، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	:	۱۰۰۱ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۷۴۰۹-۱۰-۷
وضعیت فهرست نویسی	:	فایا
یادداشت	:	این کتاب نخستین بار تحت عنوان "جلال‌الدین در زندگانی و مصائب چهارده معصوم علیهم السلام" و با عنوان "توسط انتشارات اسلامی در سال ۱۳۷۷ منتشر شده است.
عنوان دیگر	:	جلال‌الدین در زندگانی و مصائب چهارده معصوم علیهم السلام از ولایت تا وفات.
موضوع	:	چهارده معصوم -- سرگذشتنامه
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۳ ج ۸ م ۲ / BP۳۲۶
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۹۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۳۲۴۰۲۰



مقدمه ۱۴

باب اول: در بیان ولادت و وفات شرف کائنات و مخدوم اهل سماوات و شافع روز عرصات، ابو القاسم محمد طوفان و بعضی از احوال کریمه و مناقب شریفه آن حضرت است و مشتمل است بر شصت و سه فصل ۱۹

فصل اول: در بیان نسب شریف و اسم و کنیت و لقب آن حضرت است ۲۱

فصل دوم: در بیان ابتدای نور شریف آن حضرت است ۲۷

فصل سوم: در بیان ولادت با سعادت آن حضرت و تاریخ ۵۵

فصل چهارم: در بیان وصیت حضرت رسول ﷺ و سایر وقایعی که نزدیک به حال آن حضرت به عالم قدس واقع شد ۷۳

فصل پنجم: در بیان کیفیت وقوع مصیبت کبری و واقعه عظمی یعنی وفات سید محمد مصطفی ﷺ است، و کیفیت تغسیل و تکفین و دفن و نماز بر آن حضرت، و وقایعی که مقارن آن و بعد از آن به وقوع پیوسته است ۱۰۹

فصل ششم: در بیان احوال چند است که بعد از دفن آن حضرت واقع شد، و آنچه نزد ضریح مقدس آن حضرت ظاهر گردید، و غرایب احوال روح مقدس آن حضرت است ۱۲۷

باب دوم: در بیان تاریخ ولادت با سعادت و وفات و بعضی از احوال کریمه و مناقب شریفه سیده نساء عالمیان و مخدومه ملائکه مقربان فاطمه زهراء علیها السلام است و در آن چند فصل است ۱۴۱

فصل اول: در بیان ولادت با سعادت آن جناب است ۱۴۳

فصل دوم: در بیان اسماء شریفه و بعضی از فضائل آن حضرت است ۱۵۰

فصل سوم: در بیان فضائل و مناقب و بعضی از احوال و معجزات آن حضرت است .. ۱۵۷
فصل چهارم:

در بیان بعضی از مکارم اخلاق آن حضرت است ۱۸۱

فصل پنجم: در بیان تنویر امیرالمؤمنین و فاطمه علیها السلام است ۱۸۷

فصل ششم: در بیان کیفیت شهادت حضرت امیر علیه السلام و فاطمه علیها السلام است ۲۱۵

فصل هفتم: در بیان کیفیت شهادت حضرت فاطمه علیها السلام و بیان ستمهایی است که از منافقان این امت نسبت به آن جگرگوشه علیها السلام رسالت صلی الله علیه و آله واقع شده، و سایر احوال آن حضرت بعد از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله ۲۱۹

فصل هشتم: در بیان تظلم حضرت فاطمه علیها السلام در محشر ۲۶۷

باب سوم در بیان تاریخ ولادت و شهادت سید و صیاد رزمده اصفیاء اسد الله
الغالب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و در آن چند فصل است ۲۷۵

فصل اول: در بیان ولادت با سعادت آن حضرت است ۲۷۷

فصل دوم: در بیان خبر دادن خدا و رسول و پیغمبران گذشته به شهادت آن حضرت و خبر دادن خود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به آن ۲۹۹

فصل سوم: در بیان کیفیت شهادت آن حضرت است ۳۰۷

فصل چهارم: در بیان کیفیت غسل و کفن و دفن آن حضرت و وقایعی که بعد از شهادت آن

حضرت حادث شد ۳۴۳

فصل پنجم: در بیان احوال قاتل آن حضرت ابن ملجم لعین است ۳۵۷

باب چهارم: در بیان تاریخ ولادت و شهادت ثانی ائمه هدی و قره العین محمد مصطفی ﷺ امام حسن مجتبی ﷺ و در آن چند فصل است ۳۶۱

فصل اول: در بیان ولادت موفور السعادة و اسم و لقب و کنیت و حلیه و شمایل آن حضرت است ۳۶۳

فصل دوم: در بیان بعضی از فضایل آن حضرت است ۳۶۹

فصل سوم: در بیان بعضی مکارم اخلاق و محاسن آداب حضرت امام حسن ﷺ است ۳۸۵

فصل چهارم: در بیان نصیحتات و معجزات آن حضرت است ۳۹۹

و اما معجزات آن حضرت: ۴۰۰

فصل پنجم: در بیان بعضی از احوال آن حضرت است بعد از شهادت حضرت امیرالمؤمنین ﷺ و سبب صلح کردن آن حضرت با ۴۱۱

فصل ششم: در بیان کیفیت شهادت آن امام مظلوم است ۴۴۳

باب پنجم: در بیان تاریخ ولادت و شهادت حضرت سید الشهدا و خامس آل عبا و امام سعدا و پیشوای اهل صبر و ابتلا و گل بوستان رسالت و جویبار امامت و خلافت اعلی امام شهید مظلوم ابی عبد الله الحسین صلوات الله علیه و بعضی از احوال و مناقب و معجزات آن حضرت است و در آن چند فصل است ۴۵۵

فصل اول: در بیان ولادت با سعادت آن حضرت است ۴۵۷

فصل دوم: در بیان فضایل و مناقب آن حضرت است ۴۶۹

فصل سوم: در بیان بعضی از مکارم اخلاق آن حضرت ۴۸۵

فصل چهارم: در بیان نص خلافت و امامت و بعضی از معجزات آن حضرت است	۴۹۵
فصل پنجم: در بیان ثواب گریستن بر آن حضرت است، و ماتم آن حضرت داشتن، و برای مصیبت آن حضرت اندوهناک بودن است خصوصاً در روز عاشورا	۵۰۳
فصل ششم: در بیان خبر دادن حق تعالی پیغمبران خود را به شهادت آن حضرت، و آنچه عوض شهادت به آن حضرت کرامت کرده	۵۱۵
فصل هفتم: در خبر دادن حضرت سید المرسلین و حضرت، امیرالمؤمنین به شهادت آن حضرت و خبر دادن آن حضرت به شهادت خود صلوات الله علیهم	۵۳۳
فصل هشتم: در بیان آنکه مصیبت آن حضرت عظیم‌ترین مصیبت‌هاست، و بیان علت آن که چرا حق تعالی منع نکرده قاتلان آن حضرت را از قتل او، و رد قول آن جماعتی که می‌گویند آن حضرت شهید شد و در نظر مردم چنین نمود	۵۴۵
فصل نهم: در بیان فضیلت شهادتی که با آن حضرت شهید شدند، و درجات و منازل ایشان	۵۵۳
فصل دهم: در بیان کفر علان آن حضرت و شدت عذاب ایشان، و ثواب لعنت کردن بر آنها است	۵۵۷
فصل یازدهم: در بیان جور و ستمی که بر ایشان وارد شد پیش از داخل شدن حضرت سید الشهداء علیه السلام به عراق	۵۶۵
فصل دوازدهم: در بیان توجه سید الشهداء و امام عذاب به جانب مکه معظمه است	۵۷۵
فصل سیزدهم: در بیان فرستادن سید جلیل و نوباوه بوسنان و ترحم و تبجیل حضرت مسلم بن عقیل به جانب کوفه، و شهادت آن بزرگوار	۵۹۱
فصل چهاردهم: در بیان توجه امام مظلوم بسوی عراق، و آنچه از اهل کربلا به آن امام آفاق رسید	۶۰۹
فصل پانزدهم: در بیان وقایع جانگداز و مصائب محنت‌پرداز که بعد از شهادت شهدا واقع شد تا مراجعت بقیه عترت طاهره بسوی مدینه	۶۸۷
فصل شانزدهم: در بیان آنچه از غرایب معجزات بعد از شهادت آن حضرت به ظهور آمد از	

گریستن آسمان و زمین و منکسف شدن آفتاب و ماه و غیر اینها ۷۳۹

فصل هفدهم: در بیان گریه و جزع انبیا و اوصیا و ائمه هدی و ملائکه مقربین صلوات الله
علیهم اجمعین است بر آن حضرت فصل هیجدهم: ۷۵۷

در بیان گریه و نوحه جتیلان است بر آن حضرت ۷۵۷

فصل نوزدهم: در بیان علتی که به سبب آن حق تعالی مقارن شهادت حضرت سید شهدا
عذاب خود را بر آن کافران نفرستاد، و انتقام آن حضرت را به زمان حضرت قائم قرار داد ...

۶۳

فصل بیستم: در بیان عذابهایی که در دنیا بر قاتلان آن جناب وارد شد و بعضی از معجزات
آن حضرت که در وقت جنگ و بعد از آن ظاهر شد ۷۶۷

فصل بیست و یکم: در بیان بعضی از احوال مختار و کیفیت کشته شدن بعضی از قاتلان آن
حضرت ۷۷۷

فصل بیست و دوم: معجزات و براینی که نزد مرقد مطهر و تربت آن حضرت ظاهر گردید .
۷۹۵

فصل بیست و سوم: در بیان عدد رحمت و ازواج آن حضرت ۸۱۳

باب ششم: در بیان ولادت و شهادت سید الساجدین و قیلة العارفین و
قدوة الموحّدین امام چهارم علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام است ۸۱۵

فصل اول: در بیان ولادت و اسم و لقب و کنیت آن جناب است ۸۱۷

فصل دوم: شداید و احزانی که بر آن حضرت وارد شد تا هنگامی که به عالم قبر ارتحال
نمود ۸۲۳

فصل سوم: در بیان جوری که در زمان آن حضرت بر تشیعیان واقع شد ۸۳۱

باب هفتم: در بیان تاریخ ولادت و وفات و بعضی از حالات در درج امامت و خلافت

و مهر سپهر عصمت و جلالت امام پنجم ابی جعفر محمد بن علی باقر علوم الاولین
و الآخرين صلوات الله علیه و علی آله الطاهرين ۸۳۵

فصل اول: در بیان تاریخ ولادت و اسم و کنیت و لقب آن حضرت است ۸۳۷

فصل دوم: در بیان آنچه میان آن حضرت و مخالفان ظاهر شد تا وقت شهادت ۸۳۹

باب هشتم: در بیان تاریخ ولادت و وفات و بعضی از حالات مبین مشکلات و
العیق موضوع المسالك و الطرائق امام المغارب و المشارق امام ششم حضرت ابو
عبد الله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام است ۸۵۵

فصل اول: در بیان نسب اسم و کنیت و لقب و تاریخ ولادت کثیر السعادت آن حضرت است
..... ۸۵۷

فصل دوم: در بیان بعضی از ستمها که از جابران به آن امام متقیان واقع شد ۸۶۱

فصل سوم: در تاریخ شهادت آن نبیر اکرامت ۸۷۳

فصل چهارم: در بیان بعضی از ستمها که میان آن حضرت بر اقارب و شیعیان آن حضرت
واقع شد ۸۷۷

باب نهم: در بیان تاریخ احوال حضرت سید بشر و شافعی و بشر و نوربخش شمس و
قمر امام هفتم ابو الحسن موسی بن جعفر علیهما السلام ۸۷۹

فصل اول: در بیان ولادت و نسب و اسم و کنیت و لقب آن حضرت است ۸۸۱

فصل دوم: در بیان تاریخ شهادت آن حضرت و بعضی از ستمها که از خاندان نور به آن امام
مظلوم واقع شد ۸۸۵

فصل سوم: در بیان بعضی از ستمها که در زمان آن حضرت بر خویشان و شیعیان واقع شد

باب دهم: در بیان تاریخ احوال زبده اصفیا و امام اتقیا و پناه غربا و شهید زهر جفا،
امام هشتم حضرت ابو الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام ۹۱۱

فصل اول: در بیان تاریخ ولادت و نسب و اسم و کنیت و لقب آن حضرت است ۹۱۳

فصل دوم: در بیان خبر دادن آن جناب و پذیران بزرگوار آن حضرت به شهادت او ۹۱۷

فصل سوم: در بیان کیفیت شهادت آن حضرت است ۹۲۱

باب یازدهم: در تاریخ ولادت و وفات امام عباد و نور بلاد امام نهم حضرت ابی جعفر
محمّد بن علی جواد علیه السلام و بیان اسم و لقب و کنیت آن جناب است ۹۴۵

فصل اول: در بیان تاریخ ولادت با سعادت و اسم و لقب و کنیت آن حضرت است ... ۹۴۷

فصل دوم: در بیان شهادت و بعضی از احوال آن حضرت است ۹۵۱

باب دوازدهم: در بیان تاریخ زهد و حقیقه مصطفوی و گل بوستان مرتضوی امام دهم
امام علی نقی علیه السلام است ۹۶۱

فصل اول: در بیان تاریخ ولادت و نسب و اسم و لقب و کنیت آن حضرت است ۹۶۳

فصل دوم: در تاریخ شهادت آن حضرت و بعضی از ستمهایی که از مخالفان دین بر آن امام

مبین واقع شد ۹۶۵

باب سیزدهم: در بیان تاریخ ولادت و احوال حضرت سید ابیاء و مفخر اوصیاء و
محبوب قلوب هر نبی و وصی امام یازدهم ابو محمّد حسن بن علی علیه السلام ... ۹۷۵

فصل اول: در بیان تاریخ ولادت و اسم و لقب و کنیت آن حضرت است ۹۷۷

فصل دوم: در بیان تاریخ شهادت آن حضرت است ۹۷۹

باب چهاردهم: در بیان تاریخ ولادت موفور السعادت حضرت صاحب الزّمان و خلیفه
الرحمن حجة بن الحسن علیه السلام است ۹۸۷

فصل ۹۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ستایش بی‌سایه و انباز سزاوار خداوند بی‌نیازی است که تذکر مصائب و استماع نوائی سزاوار مسالک قرب و وصال و جانفشانان معارک اطاعت و امتثال خود را موجب جلاء عیون ارباب ایمان و یقین گردانید، و غبار فتنه اشرار را در نظر بادیه نیاید، و احل معرفت و اعتبار از کحل الجواهر ابصار و ابروی عزّت و افتخار به درجای برتر نشانید. و صلوات متوالیات و تحیات متواترات بر سید انبیاء و نخبه انبیا، خلاصه ارباب محنت و بلا و نقاوه اصحاب مصیبت و ابتلاء، فرمانفرمای عوالم غیب و شهود، و صدرنشین محفل قرب رحیم و دود، و شفیع درماندگان روز جزا، خیره تهیدستان عالم بقاء، محمد مصطفی ﷺ و بر آل بی‌مثالش که به صلوات محبت و ولای خود، آئینه سینه‌های مؤمنان را از زنگ شکوک و شبهات جلا داد؛ قابل انعکاس گل‌رخان چمن انجمن حسن عقیدت ساخته‌اند، و در بوستان نجاعت گل‌های رنگارنگ شهادت بنیان، مشام جان مجرمان را به شمیم شفا عطر ساخته‌اند، فصلوات الله علیه و علیهم ابد الابدین، و لعنة الله على اعدائهم و منبئهم و ظالمیهم الى يوم الدين.

اما بعد: تشنه لب زلال فیوض ربّانی و آرزومند ادراک سعادت جاودانی، محمد باقر بن محمد تقی- عفی الله عن جرائمهما- بر الواح ضمائر اخوان ایمانی و خلّان روحانی، تصویر و تقریر می‌نماید که: چون به مقتضای اخبار متواتره

و آثار متظاهره تذکر و تذکیر، گریستن و گریان گردانیدن و محزون ساختن بر بلایا و محن اهل بیت رسالت که از جمیع مقربان بارگاه احدیت عظیم‌تر است، این مصائب از ملائکه مقربان و انبیای مرسلان و شایستگان بندگان ارض و سما و مرغان هوا و ماهیان دریا و وحشیان صحرا، از همه مصیبت بیشتر است، و اعظم طاعات و اشرف قربات است، و سبب تیل سعادت و رفع درجات می‌گردد، و اطلاع بر احوال سعادت مآل پیشوایان دین و مقربان رب العالمین موجب قوت ایمان و یقین می‌شود، و در هنگام نزول حوادث دوران و حدوث نوائب و مانع تفکر در آلام و مصائب ایشان، و راضی شدن به قضای ربانی، و دفع وسوسه شیطانی، تأثیر عظیم دارد. و آنچه در این باب، به عربی و فارسی، در سلک تعریف در مورد بعضی ناقص و ناتمام است، و بعضی را از کتب سیر و اخبار مخالفان اخذ نموده‌اند که اعتماد را نمی‌شاید و بسا باشد که برای جمعی که مایه وافر از علم داشته باشند ضرر عظیم نماید و موجب خلل در عقاید ایمانی ایشان گردد.

و این شکسته در کتاب «بهار الانوار» آنچه که متعلق به احوال شریفه ایشان است در چندین مجلد است. گردانیده در کتاب حیات القلوب نیز اکثر آنها بر وجه اختصار مذکور شده است. چون از کتاب اول، عوام را چندان انتفاعی نیست، و تحصیل کتاب دوم بر اکثر مردم متعسر است، لهذا این قلیل البضاعه با اختلال احوال و وفور اشتغال و هجوم عوارض و اسقام به خاطر فاطر رسید که کتاب وجیزی در این باب به لغت فارسی تألیف نماید که مقصور بر ذکر ولادت و شهادت حضرت سید المرسلین و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین بوده باشد، بر وجهی نوشته شود که همه خلق را از آن بهره‌ای بوده باشد، و به ترجمه الفاظ روایات معتبره منقول شده، مقید به حسن عبارات و تنوع استعارات نگردد، و از غیر احادیث معتبره که از کتب افاضل محدثان امامیه رضوان الله علیهم اخذ نموده چیزی نقل ننماید تا مؤمنان به خواندن و شنیدن آن به ثواب احیاء احادیث ائمه دین علیهم السلام که اشرف طاعات و ارفع سعادات است فایز گردند، و به محزون گردیدن و گریستن بر مصائب جلیله برگزیدگان رب العالمین به درجات مقربین برسند و بهره‌ای از

مثوبات جزیره ایشان به این غریق بحر سیئات در حال حیات و بعد از وفات عاید گردد.

و ترتیب این ابواب جمّة الفوائد، و تألیف این کتاب شریفة المقاصد از برکات عهد و اوان سلیمان ثانی بود، که مرغ و ماهی در پناه معدلتش آرمیده‌اند و به میامن تربیت خسرو قدر دانی جلوه نمود که به فیض سحاب مکرمتش عروسان خلوت خانه غیب به جلوه‌گاه ظهور خرامیده، اعنی سلطان سلطان نشان، و داور دارا دربان، غره ناصیه اقبال و قرّه باصره جاه و جلال، مؤسس بنیان سلطنت و کامکاری و مشید ارکان عظمت و بختیاری، بانی مبانی مروت و نصاب، ماحی مراسم جور و اعتساف، گلدسته چهارباغ عناصر و ارکان، منتخب مجسم کرم و مکان، نوربخش دل‌های روشن ضمیران، قندیل اسرار ولایت در سینمای پاک طینتان، مشکاة انوار عدالت، و مرغان سرابستان ضمیرش با عدلیه کدکن کشف و الهام هم آواز، و مهوشان خاطر قدسی مناظرش با قدسی نشان حلقه قدس دمساز، خورشید پروانه فانوس خیالش مهر سپهر نمونه بارگاه جلالش به نسبت خامه قدس مناظرش قدس نژاد حلقه نیستان و واسطه هم بشک و به تشبیه مداد کثیر الامدادش سواد لیالی دیجور را خورشید انوار سرو از گلشن سامعه‌اش عرض نیاز ضعیفان بر نغمات طریقه مطربان مقام نشین در نظر حقیقت اثرش رضای خاطر مسکینان به صد دل‌ربائی دلبران چین برین تربیتش بساتین شریعت غرا خرم و سیراب، و به رشحات سحاب معدلتش حلاوت ملت بیضاء سرسبز و شاداب، به ذکر سخایش دهان صدف در افشان، و به عطا بی‌انتهایش پیوسته دریاتر زبان، لطف بی‌پایانش با قهر نمایان مانده برق و گریه ابر توأمان، تیغ جوهردارش دریای مواجی است که سرهای دلاور دشمنان در آن حبابی است، و سنان جانگدازش سیخی است که دلهای مکره‌ان از آن کباب است، کشتزار آمال همکنان از جداول آمال سخایش سیراب، و از صفیر عندلیب خوش الحان خامه عدالت نگارش غم در خاطرها نایاب، آب تیغش طراوت‌بخش چمن آمال شریعت و دین، و برق شمشیرش آتش خرمن حیات مخالفان دین مبین، صفیر خامه طوطی تدبیرش با صریر قلم تقدیر هم

آواز، و شهباز فکر صاییش در شکار معانی بلند عرش پرواز، گره جبین قهرش عقده‌گشای گره‌های کار بستگان، گشادگی کف احسانش سحاب مزارع املهای پژمردگان.

خلوت‌نشینان صوامع، ریاضت‌دعایش را مفتاح خزائن فیض یافته، معتکفان مساجد عبادت به جز استدغای خلوت دولت‌اید قرین ذکر و زبان نساخته‌اند، صرصر قهرش اگر بر زمین وزد بر چهره محیط حبایی گردد، و اگر بر محیط وزد بر دامن گردون سرایی نماید، با شعاع خورشید ضمیر انورش، آفتاب جهان تاب از شرم اظهار نور در نقاب زر تار مستور گردیده رخ نمی‌نماید، و ما چاره شده شبه ضیای خویش را تکلف دانسته، پرده یک شبه کلف از چهره نمی‌گشاید، ای السلطان الافخم، و الخاقان الاکرم، مالک بلاد الترق و الدیلم، مطوق رقاب العرب و العجم، فرع الشجرة الطيبة النبوية، غصن الدوحة العلیة العلویة، معین حو و الامتنان، منبع الفضل و الاحسان، السلطان ابن السلطان ابن السلطان الخ الخ الخ الخاقان ابن الخاقان، السلطان سلیمان الموسوی المصطفوی بهادر خان حکم الله ملکه و ضلال جلاله علی مفارق اهل الایمان.

لهذا ناصیه این نو رسیده گلشنی را به اسم اقدس مطلع خورشید سعادت منور گردانیده، و این تحفه فرومایه را به ارگاه جهان پناه مرفوع داشته به اوج عزّت و کرامت رسانید، چون مشتمل بر خیار آبای اطهار آن سلاله اخیار، و محتوی بر احوال شریفه اجداد امجاد آن بزرگواران در شب و نهار است، امید وصول به منتهای درجه عزّ و قبول دارد، و عجز و تصور خود را مانع حصول این مأمول نمی‌داند.

چون اشک ریختن در مصائب پیشوایان دین، موجب جلای بندگان و بایدهای ظاهر و باطن مؤمنین می‌گردد، آن را به «جلاء العیون» مسمّی گردانید و مقدمه و چهارده باب به عدد مقربان ربّ الأرباب مرتّب ساخت، و علی الله توکلت فی جمیع اموری، و هو حسبی و نعم الوکیل.

اما مقدمه در بیان ثواب گریستن بر مصائب حضرت رسالت پناه و ائمه

طاهرین علیه السلام و محزون بودن برای ایشان است

ابن بابویه و دیگران به سند موثق از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده‌اند که: هر که به یاد آورد مصیبت ما را و بگرید برای آنچه مرتکب شده‌اند از ما، با ما باشد در درجه ما در روز قیامت؛ و کسی که به یاد دیگران آورد مصیبت ما را پس بگرید یا بگریاند، گریان نگردد دیده او در روزی که دیده‌ها گریان باشد؛ و کسی که بنشیند در مجلسی که در آن مجلس احیای امر ما نمایند و احوال ما احادیث ما را بیان کنند، نمیرد دل او در روزی که دلها از ترس و بیم مرده باشد.

و کسی بن ابراهیم به سند حسن از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که: هر که مرا به یاد آورد، یا ما در نزد او مذکور شویم و بیرون آید از دیده او آب گریه به در پیشه‌ای، حق تعالی گناهان او را بیامزد هر چند مثل کف دریاها باشد.

و شیخ مفید و شیخ طوسی به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که:

هر که مهموم و مغموم باشد بری است که بر ما رفته است، هر نفسی که کشد تسبیحی در نامه عملش نوشته شود، و غم او برای ما عبادت باشد، و سر ما را پنهان داشتن از دشمنان ما ثواب جهاد بی سبیل الله دارد، پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که: باید که این حدیث به یادماندگار نوشته شود.

و ایضاً شیخ طوسی به سند معتبر از آن حدیث روایت کرده است که: هر که از دیده او یک قطره اشک بیرون آید برای خوبی که از او ریخته شده است، یا حقی که از ما کم کرده‌اند، یا عرضی که از ما یا یکی از ما میان ما ضایع کرده‌اند، حق تعالی او را در بهشت ابد الابد جای دهد و متنعم گرداند.

و ایضاً شیخ مفید و شیخ طوسی روایت کرده‌اند از احمد بن یحیی در مخول بن ابراهیم، از ربیع بن منذر، از پدرش که گفت: از حضرت امام حسین علیه السلام شنیدم که می‌فرمود که: هر بنده‌ای که از دیده‌های او یک قطره آب بیرون آید در مصیبت ما اهل بیت، حق تعالی او را در بهشت خلد جای دهد؛ پس احمد بن یحیی گفت که: در شبی حضرت امام حسین علیه السلام را در خواب دیدم و به

خدمت آن حضرت عرض کردم که مخول بن ابراهیم چنین روایتی از شما به من نقل کرد آیا شما فرموده‌اید؟ حضرت فرمود که:

بلی، گفتم: پس سند میانه من و شما افتاد و حدیث را خود از شما شنیدم. و علی بن ابراهیم و ابن بابویه و سید ابن طاووس رحمه الله به سندهای صحیح از حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) روایت کرده‌اند که هر مؤمنی که از دیده او برای قتل حسین بن علی (علیه السلام) آب بیرون آید که بر روی او جاری شود، حق تعالی در بهشت برای او غرفه‌ها کرامت فرماید؛ و هر مؤمنی که آبی از دیده او بر روی او بر گونه روی او جاری گردد برای آزاری که از دشمن به ما رسید است در دنیا، حق تعالی در بهشت مکان نیکی برای او مهیا گرداند؛ و هر مؤمنی که بر روی او آزاری به سبب ولایت و محبت ما و از شدت و حرقت آن مصیبت آن از دیده او روی او روان شود، حق تعالی از وی بگرداند هر آزاری را و ایمن گرداند و روز قیامت از غضب خود و از آتش جهنم.

و حمیری در قرب القلوب به سند صحیح روایت کرده است که: حضرت صادق (علیه السلام) از فضیل بن یسار پرسید که: آیا شما شیعیان در مجالس با یکدیگر می‌نشینید و حدیث ما را ذکر می‌کنید؟ گفت: بلی فدای تو شوم، حضرت فرمود: من آن مجالس را دوست ندارم، پس زنده گردانید امر ما را ای فضیل، و خدا رحمت کند کسی را که حدیث ما را ذکر کند، امر ما را و دین ما را زنده بدارد، ای فضیل! هر که ما را یاد کند یا ما را نزد او یاد کنند و از دیده او مثل پر مگسی آب بیرون آید، خدا گناهان او را بیاورد اگر چه مانند کف دریا باشد.

و ابن قولویه و برقی نیز این حدیث را به سندهای معتبره از آن حضرت روایت کرده‌اند.

ایضاً به سند معتبر روایت کرده‌اند از آن حضرت: هر که ما نزد او مذکور شویم و از دیده‌های او آب جاری شود، حق تعالی روی او را بر آتش جهنم حرام گرداند.

و ابن بابویه به سند حسن از حضرت امام رضا (علیه السلام) روایت کرده است که: آن حضرت به ریان بن شبيب گفت: اگر خواهی که در درجات عالیه بهشت با

ما باشی، پس برای اندوه ما اندوهناک شو و برای شادی ما شاد شو، و بر تو باد به ولایت و محبت ما، که اگر مردی سنگی را دوست دارد حق تعالی در روز قیامت او را با آن سنگ محشور می‌گرداند.

و ایضاً به سندهای معتبر روایت کرده است که: حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود که:

حق تعالی مطلع شد بر زمین و ما را از جمیع خلائق اختیار کرد، و از برای ما سببهای چند اختیار کرد که یاری می‌کنند ما را، و شاد می‌شوند برای شادی ما و اندوهناک می‌شوند برای اندوه ما، و مالها و جانهای خود را برای ما صرف می‌کنند، ایشان از ما ایند و بازگشت ایشان به سوی ماست.

و سید ابن طاووس روایت کرده است که: ائمه طاهرين (علیهم السلام) فرمودند: هر که در مصیبت ما بگیرد و صد کس را بگیراند پس بهشت برای اوست، و هر که بگیرد و پنجاه کس را بگیراند بهشت از برای اوست، و هر که بگیرد و سی کس را بگیراند بهشت از برای اوست، و هر که بگیرد و بیست کس را بگیراند بهشت از برای اوست، و هر که بگیرد و یک کس را بگیراند بهشت از برای اوست، و هر که خود را به گریه بدارد بهشت از برای اوست.